

خوانش انتقادی لوفوری بر آمدن فضای انتزاعی در ایران

با تأکید بر شهر تهران^۱

رسول یوسفی^۲، نادر شایگان‌فر^۳، علیرضا خدای^۴

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۴، تاریخ تایید: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱)

چکیده

آنری لوفور، در کتاب *تولید فضا*، فضا را مؤلفه‌ای بنیادین در عملکرد و سازماندهی جامعه در چارچوب شیوه‌های تاریخی تولید می‌داند. در دیدگاه او، سرمایه‌داری نوعی فضای انتزاعی را تولید کرده که بازتاب جهان داد و ستد در سطحی ملی و بین‌المللی است. در پژوهش حاضر، کوشش شده است که شکل‌گیری فضای انتزاعی در تهران و شرایط و چگونگی امکان‌پذیر شدن آن از عهد ناصری تا پایان دوره پهلوی اول بررسی شود. مواجهه با فضای انتزاعی سرمایه‌داری در عهد ناصری رخ می‌دهد، اما به دلیل نبودن میانجی‌هایی همچون قانون و دولت، امکان شکل‌گیری فضای انتزاعی در ایران فراهم نمی‌شود. با این حال به واسطه انقلاب مشروطه و قانون حاصل از آن و همچنین شکل‌گیری دولت مدرن این شرایط فراهم و نهایتاً شهر بر روستا مسلط شده و سرمایه‌داری از مجرای دولت و قانون شروع به خلق فضای خاص خود می‌کند.

کلیدواژه: آنری لوفور، تولید فضا، دولت، عهد ناصری، فضای انتزاعی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

— مقاله علمی پژوهشی؛ Doi: 10.22034/JSI.2025.2032838.1726

۱ مقاله حاضر مستخرج از پایان‌نامه مقطع دکتری (در دست انجام) رشته پژوهش هنر دانشگاه هنر اصفهان با عنوان «تحلیل انتقادی لوفوری از فضاها و فرهنگی و هنری در دوران پهلوی، مطالعه موردی: سازمان رادیو تلویزیون ملی و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» می‌باشد.

۲ دانشجوی دکتری پژوهش هنر، گروه پژوهش هنر، دانشکده پژوهش‌های عالی هنر و کارآفرینی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران. Rasoolyusefi69@gmail.com

۳ دانشیار گروه پژوهش هنر، دانشکده پژوهش‌های عالی هنر و کارآفرینی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران، نویسنده مسئول) n.shayganfar@au.ac.ir

۴ استادیار، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران. khoddamialireza@yahoo.com

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره بیست و پنجم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۳، ص ۳۰-۵

۱- مقدمه و بیان مسئله

در دوره قاجار به تدریج ساختارهای دولت سنتی از هم فروپاشید. تجزیه حکومت قاجار به طبقات و منافع مخالف نهایتاً به انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵ منجر شد. انقلاب مشروطه ازسویی، قدرت دربار را محدود کرد و از سوی دیگر، به مشارکت‌کنندگان در انقلاب حقوق و امتیازات ویژه‌ای اعطا نمود (بشیریه، ۱۳۹۹: ۲۸). با اینکه این انقلاب به‌عنوان امکانی برای بازسازی ملی تلقی شد اما پانزده سال آشفتگی اجتماعی به دنبال داشت. در دهه ۱۲۹۰ و تحت تأثیر ناکامی دولت در پیشبرد اصلاحات اجتماعی-فرهنگی، گروهی از روشنفکران بازاندیشی در رابطه اصلاحات سیاسی و اصلاحات اجتماعی-فرهنگی را آغاز کردند. تأکید آن‌ها بر اهمیت سیاسی در اواخر دهه ۱۲۹۰ و اوایل دهه ۱۳۰۰ به‌معنای ابراز تمایل به داشتن رهبری قدرتمند نه‌تنها برای افزایش امنیت، بلکه همچنین برای اجرای طرح‌های اصلاحی اجتماعی-فرهنگی نیز بود (شایق، ۱۴۰۱).

در سطح بین‌المللی نیز پس از خروج روسیه از معادله‌های سیاسی ایران، دولت انگلیس برای گسترش حوزه نفوذ خود به سراسر ایران باید سیاست دیگری را در پیش می‌گرفت. برخلاف قبل انگلیسی‌ها دیگر مخالفتی با تشکیل دولت مرکزی نداشتند (توفیق، ۱۳۸۵: ۱۰۷). همزمانی اندیشه اصلاحی جدید با تحولات تعیین‌کننده سیاسی و اجتماعی در سطح بین‌المللی سبب گردید دولتی قوی‌تر، اصلاح‌جوتر و مداخله‌گراتر جای حکومت قاجار را بگیرد. در رأس این دولت رضاشاه قرار گرفته بود که هرچند مشارکت سیاسی را سرکوب کرد، اما تمایلی شدید به تسریع مدرنیزاسیون و ارتقای سطح اداره کشور در او دیده می‌شد (شایق، ۱۴۰۱: ۳۱). ایجاد صنایع ماشینی نیز که تا آن زمان عقیم مانده بود، سبب عقب‌ماندگی سطح رشد نیروهای مولده از روابط تولیدی شده بود. به جای آن‌که صنایع ماشینی عرصه فعالیت سرمایه‌داری قرار گرفته و تحولات اجتماعی به پیدایش طبقات جدید بورژوازی صنعتی و پرولتاریا منجر شود، تولیدات دستی پیشه‌وری و مانوفاکتورهای عقب‌مانده عرصه فعالیت روابط سرمایه‌داری گردید (فشاهی، ۱۳۶۰: ۲۰۰).

ازجمله نظریه‌پردازان مارکسیستی که به تبیین شکل‌گیری سرمایه‌داری و همچنین شیوه‌های ماندگاری آن پرداخته‌اند، می‌توان به لوفور، فیلسوف و جامعه‌شناس فرانسوی، اشاره کرد. پروژه او که در تولید فضا به اوج خود رسید، محصول فرایندی طولانی بود که تحلیل‌های او درباره ابعاد مختلف مدرنیته، به بازاولویت‌بخشی وی به فضا به‌عنوان عاملی بنیادی در فهم سرمایه‌داری انجامید (ژلنیتس، ۱۳۹۹: ۱۳۷). به باور او هر شیوه تولید، فضای خاص خودش را دارد و انتقال از یک شیوه تولید به شیوه تولیدی دیگر متضمن تولید فضایی نو است (مریفیلد،

۱۴۰۰: ۱۷۵). در واقع تولید فضا به این معناست که هر شیوه‌ای از سازماندهی اجتماعی، محیطی را تولید می‌کند که پیامد روابط اجتماعی است که این شیوه سازماندهی اجتماعی در اختیار دارد (گاتدینر، ۱۳۹۴: ۱۶). در کتاب *تولید فضا*، مراحل گذار از فضای مطلق به فضای انتزاعی مورد بررسی قرار گرفته است. گذار از فضای مطلق به فضای انتزاعی را می‌توان هم‌ارز تحلیل مارکس درباره گذار از فرایند کار انضمامی به کار انتزاعی دانست. در واقع فضای انتزاعی محصول اقتصاد سرمایه‌داری و دخالت دولتی در مدیریت و کنترل فضا است (باتلر، ۱۳۹۹: ۸۵).

تاکنون مطالعات بسیاری درخصوص تاریخ معاصر ایران با رویکردها و دیدگاه‌های متنوع صورت پذیرفته است اما به باور این نوشتار مجرایی نو برای ورود به این مباحث و ارائه صورت‌بندی متفاوت از آنچه تاکنون به آن پرداخته شده، استفاده از نظریه لوفور و مفاهیم مطرح شده در کتاب *تولید فضا*، به‌ویژه سیر تاریخی تولید فضا و به صورت مشخص‌تر، برآمدن فضای انتزاعی در دوران قاجار و پهلوی اول در شهر تهران است. محور اصلی این روایت مسیر تاریخی‌ای خواهد بود که در آن شکل ارگانیک فضای اجتماعی از خلال شماری از شکل‌های سازمان‌دهی اجتماعی تحول یافته به فضایی است که در آن بازنمودهای فضا خواستار غصب تجربه زیسته و استیلا یافتن بر آن هستند. توضیح استیلائی شیوه تولید سرمایه‌دارانه صرفاً با اعتنا به صنعتی شدن یا بازتولید نیروی کار میسر نیست، بلکه علاوه بر آن مستلزم شناخت شدت استعمار اداری و سیاسی تجربه زیسته است. فرمان راندن بر فضا از نظر لوفور، مبنایی اساسی و همه‌جا حاضر برای قدرت در زندگی روزمره و جامعه است. آن‌هایی که معانی، شکل‌ها و پرکتیس (کردار)ها را در فضا (و نیز در زمان) می‌آفرینند و تعریف می‌کنند، می‌توانند قواعدی را تعیین کنند که فضا بر مبنای آن‌ها مورد استفاده قرار گیرد؛ یعنی می‌توانند تعیین کنند فضا چه موقع، از سوی چه کسی و به چه منظور استفاده شود؛ به همین جهت بررسی سازماندهی فضایی جامعه اهمیت اساسی دارد. در پژوهش پیش رو با ابتناء بر مفهوم فضای انتزاعی مطرح شده توسط لوفور، لحظه برآمدن فضای انتزاعی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در واقع لحظه‌ای که قدرت از طریق الگوبندی فضایی (شباهت اماکن مختلف، قطعه‌بندی شدن زندگی بین اماکن مختلف، کنترل سلسله‌مراتبی بین مکان‌های مسلط و تحت سلطه و مفهوم‌هایی از این دست)، شکل روابط سرمایه‌داری را بر کل زندگی روزمره، تحمیل می‌کند.

برای نیل به این هدف ابتدا میانجی‌های فضای انتزاعی در ایران معرفی خواهند شد، سپس سه‌گانه مفهومی لوفور یعنی کردارهای فضایی، بازنمایی‌های فضا و فضاهای بازنمایی در شهر تهران

بررسی خواهند شد. کردارهای فضایی به جریان‌هایی مادی و فیزیکی اشاره دارد که در سرتاسر فضا رخ می‌دهند و به نحوی ساختار یافته‌اند که تضمین کنند زندگی اجتماعی تولید و بازتولید می‌شود؛ یعنی مکان‌ها و ترکیب‌ها یا آرایش‌های فضایی خاصی را شکل می‌دهند که برای سازماندهی و ساختاری بخشی به روابط اجتماعی، لازم و مناسب‌اند. بازنمایی‌های فضا، فضای مسلط در جامعه است و همبسته روابط تولید و نظمی است که این روابط تحمیل می‌کنند و بنابراین همبسته دانش، نشانه‌ها، رمزها بوده و عبارت‌اند از: فضاهای مفهوم‌پردازی شده، فضای دانشمندان، برنامه‌ریزان و مهندسان اجتماعی. در نهایت نیز فضای بازنمایی همان فضای زیسته است؛ یعنی فضای زندگی روزمره در تقابل با تسلط فضای تصور شده، نظم یافته و تنظیم شده نیروی هژمونیک (ژنلیتس، ۱۳۹۹: ۱۶۴-۱۶۹). این سه‌گانه نشان می‌دهد که فضا ماهیتی پیچیده دارد و در تمام سطوح، در روابط اجتماعی وارد و نمایان می‌شود. همچنین نشان می‌دهد که ابعاد روانی، کالبدی و اجتماعی فضا در یک تمامیت گشوده، با یکدیگر پیوند درونی دارند. در آخر نیز به چندپارگی، همگونی و سلسله‌مراتب که در نسبت با فضای انتزاعی است توجه خواهد شد.

۲- پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های بسیاری درخصوص نظریه های لوفور از جمله تولید فضا، ضرب‌آهنگ‌کاوی، حق به شهر، ازخودبیگانگی و غیره صورت پذیرفته است. اما تعداد پژوهش‌هایی که به صورت همزمان با تاریخ معاصر ایران و نظریه تولید فضای لوفور در ارتباط باشند بسیار کم شمارند. از جمله پژوهش‌هایی که در نسبتی وثیق با پژوهش حاضر قرار دارند می‌توان به این موارد اشاره نمود:

منوچهری‌میان‌دوآب و رهنمایی (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای ساختار اجتماعی، اقتصاد سیاسی، سازمان فضایی کشور، نقش شهر تهران در سازمان فضایی و تغییرات فضایی و کالبدی شهر تهران در پنج مقطع زمانی دوره‌های قاجار، انقلاب مشروطیت، پهلوی اول، پهلوی دوم و جمهوری اسلامی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. بر مبنای این پژوهش بعد از انقلاب مشروطه دولت در فرایند شهرنشینی تأثیرگذار شده و روند شهرنشینی را با استفاده از سازوکارهای تغییر شیوه تولید از شیوه سرمایه‌داری به شیوه دولتی تغییر می‌دهد، و همزمان با آن ماهیت فضا نیز تغییر می‌یابد. در این راستا دولت اقدام به تولید فضای جدیدی می‌کند که ماهیت مصرفی فضا در آن کم‌رنگ‌تر شده و فضای مبادله‌ای جایگزین آن می‌شود. شهر تهران در طول این پنج مقطع زمانی از یک شهر- زندگی به یک شهر- سرمایه و در نهایت به شهر- کالا تبدیل شده است. دولت با تأثیرگذاری زیاد در بُعد بازنمایی فضا و برنامه‌ریزی انتزاعی شهر، کنترل فضا را در اختیار گرفته و

با فرایند تغییر زندگی روزمره، فضای زیسته و درک شده را نیز تحت تأثیر قرار داده است (منوچهری میانداوآب و رهنمایی، ۱۳۹۸).

منوچهری میانداوآب (۱۴۰۰) در پژوهشی دیگر که با هدف بررسی و تحلیل فرایند تولید فضای شهری از اول قرن چهاردهم تا امروز صورت گرفته، مهم‌ترین اقدامات شهرسازی، نیروهای تأثیرگذار، هدف‌ها و نتایج این اقدامات در شهر تهران و در سه مقطع زمانی دوره‌های پهلوی اول و دوم و جمهوری اسلامی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. در دوره پهلوی اول مهم‌ترین هدف از تغییر فضای شهری، کنترل فضا و در نهایت بسط سرمایه‌داری و به دنبال آن تغییر فیزیکی و ذهنی فضا بوده است. در دوره دوم مهم‌ترین هدف در تولید فضای شهری، انباشت سرمایه بوده است که دولت و ارکان دیگر یعنی سرمایه و حکومت محلی، با کاهش موانع فضایی بسترهای لازم را برای انباشت سرمایه در این شهر فراهم آورده‌اند. در دوره سوم نیز دولت با هدف کاهش هزینه‌ها، از تأمین بودجه شهرداری عقب‌نشینی و قانون خودکفایی شهرداری را تصویب کرد و شهر را در اختیار بورژوازی مستغلات و شهرداری قرار داد.

حاجی‌زاده و احدنژاد (۱۴۰۰) با شناسایی گفتمان‌های مسلط در دوره رضاشاه، تحلیلی دیالکتیکی از فرایند تولید فضا در شهر تهران و مسیر اجرایی آن ارائه نموده‌اند. بنابر نتیجه‌گیری مؤلفان گفتمان دولت مطلقه پهلوی با استفاده از فضای نهادی که شکل می‌دهد، برای اولین بار در ایران چهره و سازمان جامعه و شهر را بر مبنای دال‌های گفتمان مسلط حکومت دگرگون می‌سازد و در این دگرگونی، شهری را ایجاد می‌کند که در تضاد و تقابل آشکار با شهر سنتی قرار می‌گیرد و به نمادی از توسعه و پیشرفت تبدیل می‌شود. در واقع دولت با استفاده از فضا و تولید شکلی و محتوایی آن، سعی می‌کند تا چارچوب قدرت خود را عینیت دهد و به هژمونی‌اش انسجام داده و نظم سیاسی حاکم را اعتبار بخشد.

آزاد ارمکی و صدیقی‌کسمایی (۱۳۹۸)، به بررسی تولید و تحولات فضای شهری بابل‌سر از دوره‌ی انعقاد معاهده گلستان و ترکمنچای تا پیش از انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. مؤلفان در این مقاله کوشیده‌اند با یافتن ارتباط میان فضاهای فیزیکی تک‌افتاده موجود، سیاست‌های اقتصادی بین‌المللی، ملی و محلی، و روابط میان نیروهای اجتماعی و اقتصاد سیاسی، روند تحولات فضایی شهری بابل‌سر را بررسی کنند. در وهله اول و به واسطه نیروهای خارجی روسی و بلژیکی، فضای انتزاعی حاکم بر اندیشه و جوامع آن‌ها به ناحیه ورود پیدا کرده است. در این دوران مراکز ثروت و قدرت تلاش می‌کردند فضاهایی بسازند که بر آن‌ها مسلط باشند و اغلب می‌کوشیدند با وسایل

خشن، موانع و قدرت‌هایی را که در آن فضاها با آن مواجه می‌شدند سرکوب کنند. در دوره رضاشاه، انتزاعی شدن فضا که همراه با خشونت ذاتی انتزاع است با شدت بیشتری ادامه پیدا می‌کند. جلوه‌ای از این خشونت انتزاع، از میان بردن فضای طبیعی به نفع فضای انتزاعی است که در آن طبیعت کاهش یافته تا شهر با فضاهای خالی بزرگ ساخته شود. در دوره پهلوی دوم نیز یکی دیگر از ویژگی‌های فضای انتزاعی یعنی همگونی و حذف مقاومت‌ها ظهور کرد. در این دوران طبقاتی که از مناسبات اقتصادی جا می‌ماندند، مجبور به زندگی در نقاطی بودند که مقابل چشم نباشند.

همان‌گونه که ذکر شد در تحقیقات صورت پذیرفته، تأکید مؤلفان بیشتر بر روی قدرت دولتی در تولید فضای انتزاعی بوده و سه‌گانه مفهومی لوفور مورد استفاده قرار نگرفته است. همچنین ویژگی‌های چندپارگی، همگونی و سلسله‌مراتب که به فضای انتزاعی منضم هستند، در شهر تهران مورد بررسی و ارزیابی قرار نگرفته‌اند. تأکید بر قدرت دولتی سبب گردیده به این نکته که چرا فضای انتزاعی سرمایه‌داری در یک زمان خاص و نه در زمان دیگر در ایران بروز و ظهور پیدا می‌کند، توجهی نشود. برای پر کردن این شکاف، در پژوهش حاضر سعی شده است میانجی‌های ظهور فضای انتزاعی در ایران در ابتدا معرفی شده و رابطه شهر و روستا نیز مد نظر قرار گیرد. از سه‌گانه مفهومی لوفور به صورت نظام‌مندی استفاده شود و چندپارگی، همگونی و سلسله‌مراتب که نسبت وثیقی با فضای انتزاعی دارند مد نظر قرار گیرند.

۳- چارچوب نظری

لوفور در نخستین فصل از تولید فضا می‌نویسد که قصد دارد نظریه‌ای بپروراند که اتحاد میان سه عرصه فیزیکی، ذهنی و اجتماعی فضا را نشان دهد. اینها نه تنها به واسطه رشته‌هایی مانند فلسفه، ریاضیات و زبان‌شناسی از هم متمایز می‌شوند، بلکه شهرگرایی کارکردی که نواحی تخصصی‌شده‌ای را به فعالیت‌های روزمره‌ای مانند کار، مسکن، فراغت و حمل‌ونقل تخصیص می‌دهد نیز اینها را از هم متمایز می‌سازد. وی با نظریه واحد فضا که مد نظر داشت، می‌خواست فضا را به مثابه یک جنبه مشترک و محصول همه کردارهای اجتماعی نظریه‌پردازی کند و چیزی را که در میان همه فضاهای تکه پاره شده به وسیله شرایط مشخص تولیدشان، مشترک باقی مانده است، مطالعه کند (استانک، ۱۳۹۶: ۱۰۳). او فضای اجتماعی را از طریق بازنویسی گاه‌شناسی مراحل تاریخی توسعه اجتماعی، به عنوان تاریخ شیوه‌های تولید فضا، پیش می‌برد. این

نوع تاریخ فضایی، توصیفی است از پیش‌شرط‌های فضایی لازم برای پیدایش و تکوین سرمایه‌داری مدرن (باتلر، ۱۳۹۹: ۸۰-۸۱).

بنیان تولید سرمایه‌داری مدرن دچار نوعی انتقال تدریجی از بنیان صنعتی به بنیان شهری شده است و این همان چیزی است که لوفور آن را انقلاب شهری می‌خواند. لوفور این انقلاب را شبیه انقلاب صنعتی می‌داند که در آن بنیان تولید از کشاورزی به صنعت منتقل شد. مفهوم انقلاب شهری نشان می‌دهد که او نمی‌خواهد مفهوم شهری را با هویت فیزیکی شهر، برابر تلقی کند. استدلال وی این است که انقلاب شهری به وجود آورنده یک جامعه شهری است که در آن جدایی فیزیکی شهر و روستا، روزبه‌روز اهمیت کمتری می‌یابد. برای لوفور امر شهری از سه مفهوم به هم مرتبط تشکیل شده است: (۱) فضا؛ (۲) زندگی روزمره؛ و (۳) بازتولید روابط اجتماعی سرمایه‌داری. بدین ترتیب امر شهری، بستری فضایی و جهانی است که از طریق آن روابط تولید در تجربه روزمره مردم، بازتولید می‌شود. روابط اجتماعی سرمایه‌داری از طریق استفاده روزمره از فضا بازتولید می‌شوند؛ زیرا فضا خود توسط سرمایه به تسخیر درآمده و مطیع منطق سرمایه است (سوندرز، ۱۳۹۲: ۲۶۴-۲۶۵).

بنابراین، فضا شکل روابط سرمایه‌داری (یعنی فردگرایی، کالایی شدن و نظایر آن) را بر کل زندگی روزمره، تحمیل می‌کند (لوفور، ۱۳۹۲: ۲۶۵). از زمان ظهور سرمایه‌داری به این سو، گرایش مسلط و فراگیری به انتزاع فضا وجود داشته است. این انتزاع مناسبات نسبتاً ارگانیکی را که در فرم‌های فضایی پیشین وجود داشت، کنار زده است. فضای انتزاعی فضایی پاره‌پاره، گسیخته و خرد شده است. این فضا محیطی مساعد برای بقا و بازتولید مناسبات اجتماعی سرمایه‌داری فراهم می‌کند (باتلر، ۱۳۹۹: ۸۵). ظهور فضای انتزاعی نه تنها به معنای بسیج فضا در زنجیره تولید، توزیع و مصرف بود؛ بلکه به معنای تبدیل فضا به کالا نیز بود. پیامد این امر ویژگی دو وجهی فضای انتزاعی است که لوفور آن را به مثابه چیزی که هم‌زمان یکدست و تکه تکه است بررسی کرد. فضا نیز به مانند هر کالای دیگری دوگانگی جنبه‌های انتزاعی و انضمامی کاری را که با آن تولید شده است، بازمی‌نماید (استانک، ۱۳۹۶: ۱۱۴).

اما مسیر تاریخی گذار به فضای انتزاعی از چه مراحل عبور می‌کند؟ لوفور می‌گوید در اروپای قرن شانزدهم «واقع‌های» با اهمیتی تعیین‌کننده روی داد. «این واقعه نه یک رویداد قابل تعیین تاریخی، نه یک تحول نهادی، و نه حتی فرآیندی کاملاً قابل اندازه‌گیری با یک معیار اقتصادی بود. ولی غرب زیر و رو شد. شهر از نظر وزنه اقتصادی و عملی‌اش، از نظر اهمیت

اجتماعی‌اش از روستا پیشی گرفت» (لوفور، ۱۳۹۵: ۳۳۱). او معتقد است که گذار میان فضای فئودالی و فضای سرمایه‌داری مستلزم میانجی است که در فضای شهری قرار داشت. در این دوره شهر از روستا که زمانی طولانی بر آن غلبه داشت و آن را اداره، استثمار و حمایت می‌کرد جدا شد. شهر با گرفتن زمام قدرت از اربابان فئودال، کنترل آن‌چه را آن‌ها در انحصار خود داشتند به دست گرفت: حمایت از روستاییان و گرفتن کار مازاد آن‌ها. فضای شهری ابزاری برای قدرت بود، ولی تا آن‌جا پیش نرفت که طبیعت را منهدم کند، صرفاً آن را احاطه و اشغال کرد. فقط بعداً، در حرکت مارپیچی دوم انتزاع فضایی، دولت غلبه می‌کند (لوفور، ۱۳۹۵: ۳۳۲).

برآمدن دولت با خشونت همراه است؛ چرا که فقط از طریق خشونت است که امکانات فنی، جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی می‌توانستند تحقق یابند. این خشونت ابتدا حمله به طبیعت را شروع کرده، و قوانینی را بر آن تحمیل و برای اداره کردنش آن را بر طبق ضابطه‌ای کاملاً بیگانه با خصوصیات اولیه زمین یا ساکنانش تقسیم می‌کند. در همین زمان، خشونت عقلانیت خاصی را، عقلانیت انباشت و دیوان‌سالاری و ارتش، را برمی‌کشد. البته خشونت دولت را نباید به‌تنهایی در نظر گرفت: این خشونت جدا از انباشت سرمایه یا از اصل منطقی و سیاسی وحدت نیست و جنبه‌های گوناگون عمل اجتماعی را در یک کل-قوانین، فرهنگ، دانش، آموزش- در چارچوب فضایی مشخص جمع می‌کند. هر دولتی ادعا دارد که فضایی تولید می‌کند که در آنجا به چیزی تحقق بخشیده می‌شود، یعنی جامعه‌ای متحد و همگن. دولت این حق را برای خود محفوظ نگه می‌دارد که تضادها را از طریق اعمال زور حل کند. دولت زور را قانونی جلوه داده و ادعای در انحصار داشتن خشونت را دارد (لوفور، ۱۳۹۵: ۳۴۵). در اینجا است که می‌توان همدستی دولت و قانون را برای خلق فضای انتزاعی مشاهده کرد.

لوفور به‌منظور فهم تولید فضا، سه‌گانه مفهومی خود را خلق می‌کند. او از طریق اقتباس دیالکتیک آلمانی به دیالکتیکی نو شده و سه بُعدی دست می‌یابد. لوفور دیالکتیکش را نقد رادیکال هگل بر مبنای کردار اجتماعی مارکس و هنر نیچه توصیف می‌کند. به‌طور کلی نمودار بنیادین دیالکتیک در کار لوفور را می‌توان به‌مثابه تضاد اجتماعی و کنش اجتماعی دانست که با عامل سوم یعنی عمل شاعرانه تکمیل می‌شود. بدین‌ترتیب لوفور نمودار سه‌بُعدی از واقعیت اجتماعی پدید می‌آورد: (۱) کردار اجتماعی مادی؛ (۲) دانش، زبان و دنیای نوشتار که لوفور آن‌ها را به‌مثابه انتزاع و قدرت انضمامی و همچون اجبار و محدودیت در نظر می‌گیرد؛ و (۳) لحظه سوم که دربرگیرنده شاعرانگی و میل به‌مثابه شکل‌های استعلاست که به چیره شدن بر

مرگ کمک می‌کند؛ بدین ترتیب دیالکتیکی سه بُعدی ظهور می‌کند که در آن سه لحظه به شکلی دیالکتیکی با هم ارتباط درونی دارند (اشمید، ۱۳۹۶: ۵۶). در نهایت نیز لوفور به سه گرایش خاص اشاره می‌کند که همزمان با هم به فضای انتزاعی منضم‌اند:

۱- چندپارگی: تجزیه فضا به فضاهای چندگانه از جمله: کار، مسکن، فراغت، جابه‌جایی و حمل و نقل، تولید و مصرف که ابزار قدرت سیاسی برای فرمان راندن بر فضا است (لوفور، ۱۳۹۴: ۵۰).

۲- همگون‌سازی: زندگی مدرن، در ظاهر، تنوع زیادی از محصولات و سبک‌های مصرفی را به نمایش می‌گذارد؛ اما در عین حال راه را برای تحمیل منطق مبادله‌پذیری بر مکان‌ها و زمان‌ها تسهیل می‌کند. اطلاق و کاربست معیارهای ارزش مبادله‌ای صرف بر فضا همان نیروی همگون‌سازی است که قدرت تسطیح و یکدست‌سازی تنوع فضایی را دارد.

۳- سلسله‌مراتب: درهم‌تنیدگی قهری فضاهای همگون و چندپاره گرایش سوم فضای انتزاعی را آشکار می‌سازد: گرایش به نظم‌بخشی به فضا به نحو سلسله‌مراتبی، بنا به اقتضا و خواست قدرت اقتصادی، تکنولوژیکی، اداری و سیاسی (باتلر، ۱۳۹۹: ۸۶-۸۷).

۴- روش‌شناسی

با توجه به مبانی نظری پژوهش حاضر از روش‌های مطرح شده توسط لوفور استفاده خواهد شد. رویکرد او کاربست روش دیالکتیکی بر فضا بود. دانش معتبر فضا از دید لوفور باید به مسئله تولید فضا بپردازد. دیالکتیک فضایی لوفور دربرگیرنده این تز است که فضا چیزی مادی است. آنتی‌تز این است که فضا فرآیندی است دربرگیرنده روابط اجتماعی میان مردم و میان مردم و چیزها در فضا. سنتز او این است که فضای سرمایه‌دارانه تولید می‌شود. این فضا یک شیء، یک چیز است در حالی که همزمان فرآیند، وسیله و ابزاری است که روابط اجتماعی و در نتیجه تغییر به‌واسطه آن و در آن می‌تواند رخ دهد (ژلنیتس، ۱۳۹۹: ۱۵۶). به باور او بین برداشت یا تصور ما از فضا، که انتزاعی، ذهنی و هندسی است، و دریافت یا درک ما از فضا، که انضمامی، مادی و فیزیکی است، تقابلی وجود دارد. برای فهم بهتر فضا نیاز داریم تا امر انضمامی و انتزاعی را با هم بفهمیم (الدن، ۱۳۹۴: ۷۶).

در مقاله حاضر، سه لحظه تولید فضای لوفور (بازنمایی‌های فضا، کردارهای فضایی و فضاهای بازنمایی) مورد توجه قرار خواهد گرفت. او این سه‌گانه فضایی را به‌گونه‌ای مقدماتی طرح کرده و

به ما این امکان را داده تا آن را شرح و بسط داده و محتوای مورد نظر خود را بدان بیافزاییم. علاوه بر آن، با وجود اینکه لوفور اشاره می‌کند که این سه‌گانه چیزی است که ما بارها و بارها در تولید فضا با آن مواجه خواهیم شد، اما ظهور و بروز آن پس از فصل آغازین، بیش از آن که صریح و آشکار باشد، تلویحی است و همچنین به جای آن که اثبات شود، فرض گرفته می‌شود. چرا که این سه‌گانه فضایی نه یک گونه‌شناسی مکانیکی بلکه نوعی تسهیل‌کننده دیالکتیکی است که سیال، زنده و دارای سه لحظه خاص است که در هم تنیده‌اند و تمایزشان آشکار نیست (مریفلد، ۱۴۰۰ الف: ۱۷۷). برای فهم بهتر این سه‌گانه فضایی می‌توان به جدول زیر اشاره کرد:

جدول شماره ۱- سه‌گانه فضایی لوفور (منبع: الدن، ۱۳۹۴).

۱	کردارهای فضایی	درک شده	فیزیکی
۲	بازنمایی‌های فضا	تصور شده	ذهنی
۳	فضاهای بازنمایی	زیسته	اجتماعی

وجه نخست، فضا را به‌سان شکلی فیزیکی در نظر می‌گیرد، فضایی که تولید و استفاده می‌شود؛ وجه دوم، فضای دانش رسمی و منطق، نقشه‌ها و ریاضیات است، فضا به‌مثابه ابزار مهندسان اجتماعی و برنامه‌ریزان شهری، یعنی به‌سان ساختی ذهنی؛ و وجه سوم، فضا را به‌سان امری می‌بیند که در طول زمان و به‌واسطه استفاده، تولید شده و تغییر کرده است؛ فضایی آکنده از نمادگرایی و معنا، فضای دانش غیررسمی، فضا به‌سان امری واقعی و زیسته (الدن، ۱۳۹۴: ۷۷).

۵- تجزیه و تحلیل

در ادامه و در سه بخش مجزا ابتدا میانجی‌های فضای انتزاعی؛ سپس سه‌گانه مفهومی تولید فضا؛ و در نهایت نیز آثار فضای انتزاعی مورد بحث قرار خواهند گرفت.

۵-۱- میانجی‌های ظهور فضای انتزاعی

در ابتدا اجمالاً نگاهی خواهیم انداخت به شرایط اقتصادی شهر و روستا و همچنین وضعیت صنایع دوره قاجار. جامعه ایرانی در دوران قاجار پا به عرصه روابط بین‌المللی نهاد و نیروهای استعماری در شمال و جنوب شرایط نیمه‌استعماری را بر کشور تحمیل کردند (اشرف، ۱۳۵۹: ۴۱). در این دوره اقداماتی برای پایه‌گذاری صنایع نوین انجام گرفت اما عموماً با دخالت مستقیم و غیرمستقیم روسیه و انگلیس به شکست انجامید. تنها در زمینه‌هایی که ایجاد صنایع نوپا صدور پرسودتر محصولات

کشاورزی را ممکن می‌کرد و یا تأسیس این صنایع محدودیتی برای کالاهای وارداتی به وجود نمی‌آورد، فعالیت این صنایع امکان‌پذیر شد (رزاقی، ۱۳۹۴: ۱۷). با وجود شکست این کوشش‌های اولیه برای ایجاد صنایع نوین، اما بین سال‌های ۱۲۷۹-۱۳۰۴ به تدریج هشت کارخانه مدرن (سه کارخانه پارچه‌بافی، دو کارخانه کبریت‌سازی و سه کارخانه صابون‌سازی، نجاری و کشفافی) تأسیس شد. از این هشت کارخانه پنج کارخانه در تبریز احداث شده بود که تعداد کارگران آن‌ها از ۳۵۰۰ نفر تجاوز نمی‌کرد. به این ترتیب معلوم بود که محصولات صنعتی ماشینی هنوز نتوانسته محلی در تولیدات کشور داشته باشد (سوداگر، ۱۳۵۷: ۱۸۷).

در همین دوران، در مناطق روستایی و در نتیجه برخی عوامل از جمله دریافت نقدی مالیات‌های کشاورزی، تولید و صادرات برخی محصولات و افزایش کار دستمزدی، روند پولی‌شدن در جریان فعالیت‌های کشاورزی گسترش یافت. تا پیش از تجاری شدن محصولات کشاورزی، بازرگانان در دادن مساعده به زارعان و مالکان نقش نداشتند یا نقش آن‌ها بسیار اندک بود، اما در اواخر قرن نوزدهم به دلیل پولی شدن روابط تولید در بخش کشاورزی، ارتباط میان تولیدکنندگان و افراد دارای پول نقد بیشتر شد و برخی از بازرگانان یا مستقیماً به خرید زمین‌های کشاورزی می‌پرداختند یا با دادن مساعده به مالکان در فرایند تولید برخی محصولات تجاری نقش داشتند (غلامی، ۱۳۹۷). به علت رشد تجارت با اروپا، به تدریج خودکفایی روستاهای سنتی به نابودی کشانده شد. در همان حال که کالاهای خارجی همچون منسوجات کارخانه‌ای، ظروف شیشه‌ای و فلزی وارد کشور می‌شد، کالاهای بومی، به خصوص محصولات کشاورزی مشتری‌هایی در خارج از کشور پیدا می‌کرد. اقتصاد منطقه‌ای در اقتصاد ملی و اقتصاد ملی در اقتصاد بین‌المللی مستحیل شده بود. در ابتدای قرن بیستم بسیاری از دهقانان برای فروش محصولاتشان و خرید مایحتاجشان، نظیر ابزار و محصولات کارخانه‌ای و حتی برای محصولات کشاورزی مثل چای، نیشکر، ادویه و تنباکو به بازارهای شهر می‌رفتند (آبراهامیان، ۱۳۷۶). با وجود آن‌که بازارهای هفتگی برای خرید و فروش محصولات کشاورزی و دامی بر حسب زمان و نیازهای افراد برپا می‌شد، اما فقدان مراکز مصرف‌کننده صنعتی همچنان دهقانان را در وابستگی شدید به ارباب، رباخواران، و بازاریان دلال قرار می‌داد (غلامی، ۱۳۹۷).

با تکیه بر ادبیات لوفوری می‌توان گفت برای غلبه بر موانع رشد و گسترش فضای انتزاعی سرمایه‌داری نیاز به میانجی‌هایی بود. اولین میانجی در اینجا قانون است و دیگری دولت (لوفور، ۱۳۹۴: ۵۳). در ایران قرن سیزدهم دو دسته اصلی قانون‌گذار وجود داشت: یکی روحانیت شیعه

که متولی شریعت بود؛ و دیگری بدنه حکومت و شاه که قانون عرف را تصویب و اجرا می‌کردند. ایجاد تغییرات در حیطه حقوق از اوسط قرن سیزدهم آغاز شده بود اما این تغییرات زمانی کامل شدند که مجلس اول شروع به قانون‌گذاری کرد (شایق، ۱۴۰۱: ۱۱۸). اما به دلیل فقدان میانجی دوم (دولت) و همچنین دخالت سطح جهانی، همچنان فضای انتزاعی سرمایه‌داری نمی‌تواند خود را تجسم بخشد. سازمان و ساختار دولت پیشامدرن در ایران که از منطقی ایلپاتی تبعیت می‌کرد فاقد دولت در معنایی بود که امروزه می‌شناسیم. دولت به معنای قدرتی متمرکز و دارای نیروی قهری وابسته به خود و همچنین نظام قانون‌گذاری انحصاری که بر تمامی سرزمین حکمرانی می‌کند (حیدری، ۱۴۰۲: ۵۸). با وجود اختلاف نظرهای بسیار درخصوص ماهیت و شکل دولت در میان متفکران، تا حدود بسیاری همگی آن‌ها بر اطلاق نام دولت مدرن بر دولت رضاشاه اتفاق نظر دارند. برآمدن دولت با خشونت همراه بود و رضاشاه این خشونت را ابتدا از مجرای ارتش اعمال می‌کرد. در اوایل دهه ۱۳۰۰، ارتش ایران به تلاشی بزرگ برای بسط و حفظ اقتدار حکومت مرکزی دست زد، کاری که مستلزم نابودی هر نوع حکومت محلی خودمختار بود که توانایی بالفعل یا بالقوه به چالش کشیدن قدرت مرکزی را داشتند. ارتش در این کار به موفقیت قابل توجهی دست یافت، هرچند کانون‌های مقاومت تا حدودی باقی ماندند. تا ۱۳۰۵ تسلط مقامات نظامی بر زندگی سیاسی مدنی نیز عمده‌تاً کامل شده بود. مقامات نظامی، با استفاده از روش‌های گوناگون سلطه بی‌چون و چرای خود را بر کشور برقرار کرده بودند (کرونین، ۱۳۸۵: ۱۷۳). البته خشونت دولت را نباید به تنهایی در نظر گرفت. این خشونت نمی‌تواند جدا از انباشت سرمایه یا از اصل منطقی و سیاسی وحدت باشد. اکنون که میانجی‌های فضای انتزاعی در ایران شکل گرفته‌اند می‌توان به روند صنعتی شدن و تسلط شهر بر روستا پرداخت.

از ۱۳۰۵ و با شکل‌گیری دولت مدرن یک نوع نوسازی آمرانه در ایران شروع شد و نقش اساسی را در این زمینه دولت به عهده گرفت. مدل اقتصاد ارشادی و ملی آلمان سرمشق قرار گرفت و صنعتی شدن کشور و حمایت از صنایع داخلی هدف اصلی برنامه‌های دولتی گردید (بهنام، ۱۳۹۱: ۵۸). هدف اولیه سیاست صنعتی کردن تولید محصولاتی بود که مصرف داخلی فراوانی داشت و سالانه مقدار زیادی برای واردات این محصولات ارز از کشور خارج می‌شد. به این دلیل صنایع کشور در درجه اول صنایع سبک مواد غذایی و مصرفی محصولات کشاورزی مانند نساجی، قند، چرم‌سازی و مانند این‌ها بود. زیرا از یک طرف مواد خام مورد نیاز این صنایع در داخل ایران زیاد و از طرف دیگر واردات این محصولات بسیار بیشتر از کالاهای دیگر بود. با این

وجود، دولت مجبور بود سالانه مقدار زیادی مواد خام صادر کند و در عوض فرآورده‌های ساخته شده از این محصولات را با قیمتی بالاتر وارد کند. بازار تهران نیز اگرچه هنوز بسیار گسترده و پرمصرف نبود، اما به دلیل تمرکز سرمایه شرکت‌ها، افزایش جمعیت و فعالیت‌های عمرانی به تدریج مازاد سرمایه سایر شهرستان‌ها را در خود می‌بلعید (غلامی، ۱۳۹۷). شهرنشینی نیز گویای شکل شهرنشینی در مرحله‌ای بود که تازه رشد روابط سرمایه‌داری آغاز شده است. در این برهه هر چند ساخت تولیدی و اجتماعی رو به تغییر می‌رفت اما این تغییرات هنوز در فضا و استقرار جغرافیایی جمعیت، بازتاب نیافته بود. برهمین منوال اگرچه تحول در نظام اقتصادی و اجتماعی ایران از دهه ۱۳۰۰ آغاز می‌شود، لیکن در مراحل آغازین هنوز نمی‌توان از بازتاب فضایی این تحولات به شکل شهرنشینی و مهاجرت وسیع به شهرها سخن گفت چرا که این تحولات برای دامن زدن به شهرنشینی نیازمند زمان است (حسامیان، ۱۳۶۳: ۲۰). حال می‌توان دوباره به لوفور بازگشت و سه‌گانه تولید فضای او را از عهد ناصری تا پایان پهلوی اول مورد بررسی قرار داد.

۵-۲- سه‌گانه تولید فضا

۵-۲-۱- کردارهای فضایی

یکپارچگی روزافزون بازار داخلی شرط حیات شیوه تولید سرمایه‌داری است. بدون یک بازار یکپارچه که کالا در آن آزادانه حرکت کند و مبادله شود تصور بسط تولید سرمایه‌داری نیز محال است. هرچند وجود نیروی کار آزاد برای تولید به شیوه تولید سرمایه‌داری شرط اصلی به حساب می‌آید لیکن این شرط تنها پس از تشکیل بازار داخلی نسبتاً یکپارچه ضرورت خود را به صورت عینی نشان می‌دهد. یکپارچه شدن بازار داخلی، از نظر فضایی یا فیزیکی پیش از هر چیز مستلزم وجود ارتباطات فیزیکی میان بازارهای محلی است. به دلیل فقدان پویای صنعتی و در نتیجه فقدان یک بورژوازی صنعتی اقدامات مربوط به یکپارچه کردن بازار داخلی برعهده دولت قرار گرفت (حسامیان، ۱۳۶۳: ۲۶-۲۷)، می‌توان در این بخش دو عامل که تأثیرات کالبدی داشته‌اند را مد نظر قرار داد: نخست تغییر شکل شهر؛ و دوم امکانات حمل و نقل در کشور.

نخستین نطفه‌های تغییر شکل شهر خود را در عهد ناصری نشان دادند. در دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه تغییرات چشم‌گیری در پویای شهرنشینی و نظام شهرسازی به‌ویژه در تهران به‌وجود آمد. اصلاحات جدید، شکل‌گیری دارالفنون و ورود علوم و ابزار مدرن اندازه‌گیری و

سرشماری به کمک شهرسازی آمدند. نقشه دارالخلافه ناصری به دنبال اولین سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۲۴۶ تهیه شد. پس از سرشماری و به دلیل ازدیاد جمعیت در محدوده دیوارهای شهر، ناصرالدین شاه دستور تهیه برنامه و طرح جدید تهران را صادر کرد (دهقانی و توفیق، ۱۳۹۶: ۱۰). فرآیند تغییرات در عهد ناصری تمام شهر را دربرمی‌گرفت و شامل مرمت دیوارها، بهسازی معابر برای رفت‌وآمد وسایل نقلیه و احداث یک میدان بزرگ جدید، یعنی توپخانه می‌شد. در نهایت نیز عملیات ساختمانی برای توسعه شهر در سال ۱۲۴۷ آغاز گردید و تکمیل آن ۱۲ سال به طول انجامید (مدنی‌پور، ۱۴۰۱). به رغم تمام تحولات و اصلاحات کالبدی در دوره قاجار، اما همچنان شهر تهران از نظر بنیادها و سیمای شهری به صورت یک شهر سنتی با ساختار فئودالی باقی ماند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۷). مهم‌ترین اقدام عمده برای اصلاح شهر در دوران حکومت رضاشاه صورت گرفت که به لحاظ اجرایی پرتوان‌تر و از نظر وسعت دامنه‌دارتر بود. در حالی که مرحله نخست در عهد ناصری به احداث دیوارها و محله‌های جدید شهر محدود بود، مرحله دوم از طریق طرح‌های بزرگ بازسازی کوششی برای تغییر ریخت‌شناسی مجموعه منطقه شهری محسوب می‌شد. بنا به برخی تعبیرها، تهران از یک شهر شرقی بدون ارتباطات مناسب و با امکانات رفاهی اندک، به‌طور بنیادی تجدید برنامه‌ریزی و تجدید ساخت می‌شد (مدنی‌پور، ۱۴۰۱).

از عهد ناصری تا پایان پهلوی اول، شاهد شکل‌گیری بلدیه تهران هستیم. اولین خدمات بلدی به شیوه نوین در ایران و به شکلی اولیه و محدود از ارگ شاهی ناصرالدین‌شاه و برای آسایش وی شروع شد؛ اما تشکیلات وسیعی که امروز با نام شهرداری وجود دارد، یادگار اولین تصمیمات مشروطیت است که نخست با نام بلدیه در زمان مظفرالدین‌شاه سازماندهی شد. بلدیه به‌طور رسمی‌تر و اجرایی‌تر در زمان احمدشاه قاجار، تنها فعالیت خود یعنی نظافت شهر را آغاز کرد. پس از کودتای ۱۲۹۹، سیدضیاءالدین طباطبایی، اقدامات جدید و تغییرات مشخص را در امور بلدیه کشور و به‌ویژه در تهران آغاز کرد. در این دوره اقدامات اصلاحی نخست با تبدیل چراغ‌های فانوسی به چراغ برق آغاز شد و سپس با قیرریزی، آسفالت، رنگ‌آمیزی درب مغازه‌ها، سرکشی به دکان‌ها و کنترل و حفظ بهداشت عمومی، برداشتن تابلوهای لاتین از سردر مغازه‌ها و تعطیل کردن روزهای جمعه برای کسبه ادامه پیدا کرد. در این سال نخستین ساختمان شهرداری با نام بلدی تهران در شمال میدان توپخانه اقدام به ساخت شد. اما با شروع سلطنت رضاشاه دگرگونی وسیع، ساختاری و زیربنایی آغاز شد که مجریان آن عمدتاً نظامیان بودند. ابزار رضاشاه برای

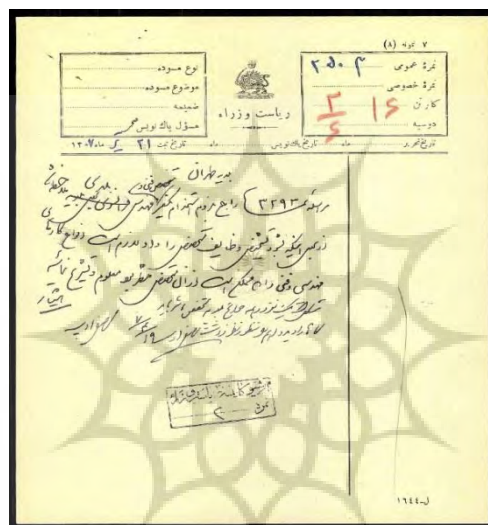
دخالت عمده در شهر از مجرای بلدیه، قانون و همچنین قدرت نظامی سرتیپ کریم بوذرجمهری که اولین رئیس بلدیه تهران بود می‌گذشت (کیانی، ۱۳۸۶: ۱۹۱).

مورد بعدی که باید به آن اشاره کرد، تغییر شکل کشور از مجرای توسعه امکانات حمل و نقل است. گسترش انواع جاده‌های شوسه و ازدیاد وسایل حمل و نقل و کاهش هزینه جابه‌جایی، در انتقال جمعیت تأثیر بسزایی داشت. طی دهه‌های ۱۳۰۰ و ۱۳۱۰ ازدیاد راه‌های شوسه و افزایش کمیت وسایل نقلیه و کاهش هزینه‌های سفر هم بر سرعت سفر در سراسر کشور افزوده بودند هم حمل‌ونقل و جابه‌جایی و مسافرت را تسهیل کرده بودند. ایران اواخر دهه ۱۳۱۰ از جهات عدیده‌ای مشخصاً محصول تلاش هدفمند دولت برای تحقق مقاصد نظامی و بازرگانی بود (مالجو، ۱۴۰۱: ۲۰۶). بخش عمده کارخانه‌های صنعتی ایران (به‌جز صنایع مربوط به کشاورزی) پس از اتصال به تهران به‌وسیله راه‌های شوسه به مناطق مختلف کشور و بازار روسیه، در این شهر متمرکز شده بود. به همین مناسبت تهران به مرکز عمده صنایع تبدیل شده و سیاست تمرکز امور اقتصادی با سیاست تمرکز امور سیاسی در سال‌های دهه ۱۳۱۰ به‌وسیله دولت منطبق گردید (سوداگر، ۱۳۵۷: ۱۹۸). همچنین دولت رضاشاه ساخت‌وساز راه‌آهن سراسری را به‌عنوان محور اصلی برنامه‌های متمرکزسازی اجرا کرد. دولت پهلوی مسئولیت پروژه راه‌آهن سراسری ایران را بین سال‌های ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۷ برعهده گرفت. از راه‌آهن تکمیل شده انتظار می‌رفت تا آرزوهای تمدن جدید را محقق سازد، از جمله بسط قدرت دولت پهلوی به استان‌ها، افزایش کارآمدی کشاورزی و صنعت، صادرات طیف متنوعی از کالاها به بازارهای جهانی و تغییر شکل دادن شهروندان ایران عمدتاً از روی الگوی اروپایی. انتظار می‌رفت که امکانات جابه‌جایی راه‌آهن، ایران را به صورت یک واحد فضایی ملی منسجم از حیث سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بسازد (کویاگی، ۱۴۰۲: ۱۳۱).

۵-۲-۲- بازنمایی‌های فضا

اولین شکل‌های مفهومی که از سوی ایدئولوژی و دانش نهادی سعی در خلق تصویری از فضا دارند را می‌توان در سال ۱۳۰۰ شناسایی کرد. در اینجاست که دولت با استفاده از ابزارهای خود همچون ارتش و از مجرای قانون شکلی از دانش را خلق و تنظیم می‌کند تا بتواند مداخله علمی در فضا را صورت‌بندی کند. یکی از این موارد ایجاد شعبه نقشه‌کشی در ارکان کل حرب بود. کار این شعبه تا سال ۱۳۱۴ تهیه کپی از نقشه‌های انگلیسی و روسی بود. از سال ۱۳۱۴ با ضروری شدن مطالعات

جغرافیایی و نقشه‌برداری، دایره جغرافیایی ستاد ارتش تشکیل و ریاست آن برعهده علی رزم‌آرا گذاشته شد (شیرازی، ۱۳۹۴: ۱۶۸). از دیگر اسناد می‌توان به نامه بلدیہ تهران به تاریخ ۱۳۰۷ در خصوص لزوم استخدام مهندس شهرسازی فرانسوی اشاره کرد که در تصویر شماره ۱ آمده است. همچنین نخستین تلقی در طراحی و توسعه جدید شهر، اصولی نبودن معماری و مهندسی گذشته بود که بدون آن که تعریف جدیدی از این اصول به میان آورده شود معابر تنها به این دلیل که کج و معوج ساخته شده‌اند، خارج از اصول هندسی تعریف می‌گردند (کیانی، ۱۳۸۶: ۱۹۳).



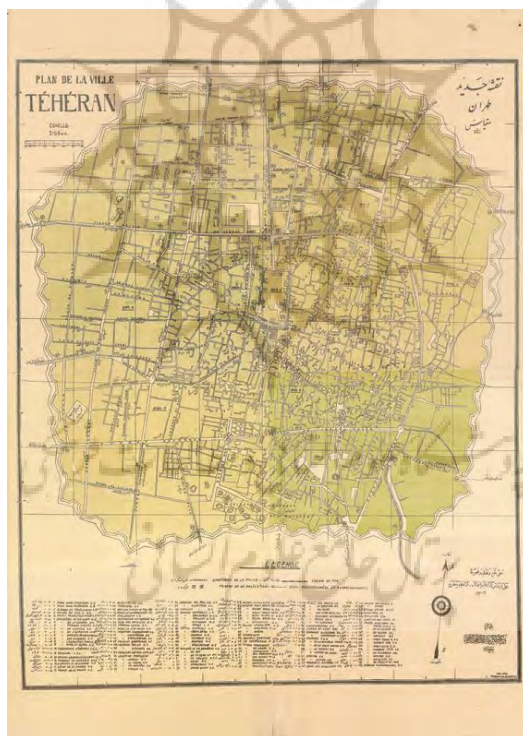
تصویر شماره ۱- لزوم استخدام مهندس شهرسازی فرانسوی، سال ۱۳۰۷
(منبع: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران).

تصویب قانون بلدیہ در ۱۳۰۹ محملی مناسب برای مداخله های سنگین در بافت‌های کهن شهری را فراهم می‌آورد. هرچند این محمل قانونی با تصویب قانون بلدیہ در سال ۱۲۸۶ فراهم آمده بود ولی قدرت اجرائی بخشیدن به اقدامات بلدیہ از نکاتی است که در ۱۳۰۹ به آن افزوده می‌شود. به دنبال تصویب این قانون، اجرای نقشه خیابان‌ها (اولین نقشه دگرگونی تهران در سال ۱۳۰۹ (تصویر شماره ۲)) در دستور کار قرار می‌گیرد (حبیبی، ۱۳۹۷: ۱۵۶). همچنین وزارت کشور ایران در سال ۱۳۱۲ قانون توسعه معابر شهری را تصویب کرد. این قانون و قوانین دیگری هم‌چون آن از نقاطی بودند که رابطه میان بازنمایی‌های فضا و کردارهای فضایی مفصل‌بندی

می‌شدند. همان‌طور که در این قانون دیده می‌شود، مفهوم نقشه و تفکر انتزاعی فضا و دانش در ارتباط مستقیمی با تغییرات کالبدی قرار می‌گیرند.

قانون توسعه معابر شهری: (منبع: کتابخانه اینترنتی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی).
مصوب ۲۲ آبان ماه ۱۳۱۲ شمسی

ماده دوم - اداره بلدیه مکلف است نقشه مشروح معبر یا خیابان یا میدان منظور را با مقدار ذرعی که از هر خانه یا مستغل و یا زمین مشجر و یا مزروع و یا بیاض جزو شارع یا میدان خواهد شد ترسیم نموده پس از تصویب انجمن بلدیه و حکومت محل و وزارت داخله با تعیین موقع اجرای نقشه که لااقل سه ماه پس از انتشار اعلان یا اخطار کتبی خواهد بود به وسیله اعلان یا اخطار به مالکین و یا متولیان و متصدیان در موقوفات اطلاع دهد...



تصویر شماره ۲ - نقشه تهران، ۱۳۰۹ معروف به نقشه خیابان‌کشی
(منبع: شیرازی، ۱۳۹۴: ۱۵۸).

همچنین دولت، تهیه نقشه جدید شهر تهران را به عهده دانش‌آموختگان معماری مستقر در وزارت داخله می‌گذارد. نقشه ۱۳۱۶ اولین نقشه شهرسازی تدارک شده در دولت پهلوی برای گسترش و توسعه شهر تهران است. نقشه‌ای که کاملاً با ذهنیت نوآورانه تهیه شده و شهری کاملاً متفاوت از پیشینه تاریخی آن را در تصور دارد و تصویر می‌کند. طرح ۱۳۱۶ به نحور بارزی متأثر از «جنبش معماری و شهرسازی مدرن» بین‌المللی است و بافت شطرنجی، جدائی عملکردهای شهری بنابر نوعی منطقه‌بندی کم‌ویش نامنظم، ایجاد فضاها و میادین عمومی و غیره از مفاهیم پایه‌ای طرح هستند. این مفاهیم بی‌آن که در جایی نوشته شده باشند در طرح و تحقق آن به خوبی دیده می‌شوند. ایجاد منطقه اداری-نظامی و اقتصادی در دل شهر کهن به تخریب کامل محله کهن ارگ و کاخ‌های دوران قاجار می‌انجامد (حبیبی، ۱۳۹۷: ۱۵۸ و مهدی‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۹).



تصویر شماره ۳- نقشه طرح مصوب توسعه تهران ۱۳۱۶ (منبع: شیرازی، ۱۳۹۴: ۱۷۰).

۵-۲-۳- فضاهای بازنمایی

بازنمایی‌های فضای خود را از طریق کردارهای فضایی بر زیست روزمره انسان‌ها و فضاهای بازنمایی تحمیل می‌کنند. با این وجود فضاهای بازنمایی واجد پتانسیل به چالش کشیدنِ پرکتیس‌ها و ادراک‌های فضایی مسلط از طریق استفادهٔ خلاقانه از فضا هستند (ژلنیتس، ۱۳۹۹). با وجود کردارهای فضایی و بازنمایی‌های فضا در دوران پهلوی همواره جریانی سعی در به چالش کشیدن قدرت دولت داشته است؛ مثلاً می‌توان به این موارد اشاره کرد: تعدد بافت‌ها و سبک‌ها در معماری (آذری، ۱۳۹۱: ۹۵)؛ مقاومت زارع ایرانی در برابر تلاش‌های دولت برای رواج اقتصاد زراعی تجاری (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۷)؛ مقاومت در برابر کشف حجاب (استنکاف افراد از حضور بی‌حجاب در جشن‌ها؛ مقاومت مثبت (زنان به طراحی شکل جدیدی از لباس‌های زنانه اقدام کردند که پوشیدگی حداکثری نزدیک به حجاب کامل و در حد شرعی داشت، اما در عین حال ظاهراً مخالفتی با قانون کشف حجاب نداشت)؛ خانه‌نشینی؛ مهاجرت به عراق و مناطق مسلمان‌نشین همجوار) (زائری و یوسفی‌نژاد ۱۳۹۸).

۵-۳- آثار فضای انتزاعی

در ادامه به آثار فضای انتزاعی پرداخته خواهد شد:

۵-۳-۱- چندپارگی

چندپارگی را می‌توان در دو سطح شهرها و همچنین کل کشور مورد بررسی قرار داد. سازماندهی نظام تقسیمات کشوری در دوره مشروطه در قالب قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام انجام شد. براساس ماده یک این قانون مملکت محروسه ایران برای تسجیل امور سیاسی به ایالات تقسیم شد و ایالت قسمتی از مملکت محسوب می‌شد که دارای حکومت مرکزی و ولایات حاکم نشین جزء بود. اما اقدامات طرفداران استبداد و نیز تبعات جنگ جهانی اول سبب شد که تحولات عمده در نظام اداری و نظارت و تمرکز بیشتر دولت در این دوره اجرایی نگردد. با روی کار آمدن سلسله پهلوی تغییرات چشمگیری در حوزه تقسیمات سرزمینی و ساختار اداری مناطق با تکیه بر تمرکزگرایی و حمایت از برنامه‌های نوگرایانه حکومت صورت گرفت. حکومت پهلوی اول طی یک روند دوازده ساله و پیش از تدوین قانون تقسیمات کشوری در سال ۱۳۱۶ از طریق وضع نظام‌نامه‌های جدید، تغییر در ساختار وزارت داخله، تغییر نام شهرها، الحاق یا تفکیک شهرها، بخش‌ها و روستاها و تغییر عناصر اجرایی تقسیمات کشوری

موفق به سازماندهی نظام مدیریت تقسیمات کشوری و ایجاد تغییرات در آن حوزه با هدف تمرکز امور در پایتخت کشور و حمایت و پشتیبانی از برنامه‌های نوگرایانه حکومت شد (نوروزی و همکاران، ۱۴۰۱). کشور به استان‌هایی تقسیم شد که مرزهای برخی از آن‌ها تنها بر پایه هدف های استراتژیک دولت تعیین شده بود. البته باید در نظر داشت این چندپارگی و تقسیم کشور به مناطق مختلف سبب جدایی آن‌ها از یکدیگر نشده بلکه منطق متمرکزسازی قدرت نیز در این مسیر جایگاه ویژه‌ای داشت. در واقع با وجود چند پاره شدن به سبب تقسیمات استانی رابطه میان استان‌ها و پایتخت نیز مورد بازنگری و تنظیم مجدد قرار گرفت.

در سطح شهر نیز تفکیک شهر به فضاهای کار، فراغت و قدرت اداری دولت در همین دوران به صورت کالبدی متجسد می‌شود. عمارت‌ها و ساختمان‌های جدید دولتی، چون کاخ دادگستری، وزارت دارائی، بانک، دانشگاه، سینما، کارخانه، پارک‌های عمومی و غیره برپا می‌گردند. باغ ملی و میدان مشق جای خویش را به وزارت خارجه، پستخانه، شهرداری کل کشور، بانک ملی وامی‌گذارند و محله سنگلج برای ایجاد «بنای بورس» تخریب می‌گردد (حبیبی، ۱۳۹۷: ۱۵۹). همچنین می‌توان به ایجاد زندان مدرن (خزائی، ۱۳۹۷) و در نهایت به مواردی مانند آسایشگاه ناتوانان، پرورشگاه کودکان بلدی، دارالرضاعه، زایشگاه، دارالمجانین، مریض‌خانه بلدی، پست‌های امدادی، بیمارستان بلدی، کارخانجات بلدی که ذیل بلدیة بودند، اشاره کرد (مالجو، ۱۴۰۱).

۵-۳-۲- همگونی

همگونی را می‌توان در دو سطح کالبدی و فرهنگی مورد بررسی قرار داد. در سطح کالبدی رضاشاه به منظور وحدت بخشیدن و کنترل قلمرو ملی کشور، یک شبکه حمل و نقل ملی احداث کرد. شبکه حمل و نقلی با هدف های مشابه در تهران ساخته شد که هدف آن تسهیل تحرکات نظامی در سراسر شهر برای پشتیبانی از قدرت فزاینده حکومت بود و تبدیل شهر به یک شبکه باز به منظور جابه‌جایی آسان کالا و سرمایه و غلبه بر فرقه‌گرایی و ملوک‌الطوایفی موجود از طریق پیوند دادن محله‌های مسکونی مجزا به یکدیگر، تحمیل یک چارچوب کلی بر آن‌ها و ایجاد یک فضای متحد در راستای همگون‌سازی مورد نظر بود. با تحمیل نظام جدید خیابان‌بندی متشکل از خیابان‌های عریض درختکاری شده با تقاطع‌های قائم‌الزاویه بر بافت قدیمی شهر، فضای شهری مطابق با نیاز به تحرک بیشتر دستخوش تغییر شد. این اقدامات تا حدی به منظور شکستن ساختار اجتماعی موجود و ناهمگنی طایفه‌ای آن، صورت می‌گرفت. به این ترتیب با تحمیل یک

چارچوب کلی بر بافت شهری و ایجاد همگونی کالبدی و اجتماعی، می‌کوشیدند بر فرقه‌گرایی موجود که مشخصه آن تفاوت‌ها و ساختارهای قدرت منطقه‌ای و نیز محله‌های شهری جداسازی شده بود، فائق آیند (مدنی‌پور، ۱۳۸۱: ۶۴).

در سطح فرهنگی نیز می‌توان به تلاش‌های دوران پهلوی اول برای خلق همگونی هویتی اشاره نمود.

آزادارمکی و همکاران (۱۳۹۹) این اقدامات را به دو حوزه تفکیک می‌کنند:

- ۱- ایجاد و توسعه برخی نهادهای جدید که عموماً کانون توجه دولت برای هویت‌سازی و همگون‌سازی بودند (دولت کانون توجه خود را به توسعه مدارس ابتدایی با برنامه‌های خاص قرار داد و از سوی دیگر دو سازمان جدید به نام پیشاهنگی و پرورش افکار را تأسیس کرد که صراحتاً برنامه‌هایی برای ساختن هویت انسان ایرانی بر سبک و سیاقی خاص داشتند). سازمان پرورش افکار گسترده‌ترین سازمان تصمیم‌گیری فرهنگی بود که برنامه‌هایی برای تغییر چهره فرهنگی ایران و مدرن‌سازی آن طراحی کرد و به اجرا گذاشت. در مجموع می‌توان گفت سازمان مذکور که با جهت‌گیری خاصی به تبلیغات فرهنگی می‌پرداخت، در عمل در حیطه وظایف همه وزارت‌خانه‌هایی که به‌نحوری با امور فرهنگی ارتباط داشتند، دخالت و همه آن‌ها را در جهت کارکردهای خاصی سازماندهی می‌کرد (اکبری، ۱۳۹۷).
- ۲- اتخاذ برنامه‌ها و سیاست‌هایی برای ترویج عناصر هویتی مورد نظر و حذف عناصر رقیب: همگون‌سازی پوشش، تأکید بر گذشته و میراث تاریخی با رویکردی خاص، تغییر نام‌های ماه‌های سال، تغییر نام شهرها، تعریف حقوقی دایره ایرانیت و ارایه ورقه هویت به اتباع ایران، تأکید بر زبان فارسی و به حاشیه راندن زبان‌های دیگر، حذف و طرد برخی نمادهای هویتی که به نیروی‌های اجتماعی رقیب تعلق داشت.

۵-۳-۳- سلسله‌مراتب

از تحولات مهم دروه رضاشاهی، شتاب دادن به فروپاشی نظام محله‌ای و تضعیف خودکفایی آن بود. خیابان‌کشی‌های جدید نه تنها بافت برخی محله‌ها را از هم گسست، بلکه با استقرار نظام اداری شهرداری، جنبه‌ای اداری به آن داد و حتی به عمد مرز محله‌ها را در محور خیابان‌ها تعیین نمود. آن‌چه از روابط گروهی قدیم در محله‌ها مانده بود به شدت تضعیف شد؛ به‌گونه‌ای که تا ۱۳۲۱ در بیشتر شهرها تمایز اجتماعی محله‌های نعمتی، حیدری، کریم‌خانی، شیخی و

متشرع رنگ باخت. از سوی دیگر، نواحی جدید صنعتی، تجاری، اداری و مسکونی بر پیکر شهر شکل گرفت و دیگر نمی‌شد براساس روابط اجتماعی قدیم آن را اداره نمود. به همین دلایل «جدایی‌گزینی قومی»، هرچند با تفاوت و تأخیر در شهرهای مختلف، جای خود را به «جدایی‌گزینی طبقاتی» داد. در این دوره حتی اقلیت‌های مذهبی شهرهای بزرگ نیز که پیش از این تنها در محلات خود زندگی می‌کردند، به آسانی توانستند بر اساس قدرت اقتصادی در کنار همسایگان مسلمان خویش سکونت یابند. بدین‌سان، ملاک سکونت در محله‌های جدید، بیشتر ثروت، پایگاه اجتماعی، تحصیلات و درآمد اهالی شد تا اشتراک در مذهب و قومیت ایشان (پاکزاد، ۱۳۹۵). گروه‌های جدید مثل کارمندان، سرمایه‌داران و صاحب منصبان دولتی و ارتشی بیشتر در نواحی شمالی شهر و کارگران و پیشه‌وران جدید بیشتر در شمال شرقی و جنوب غربی ساکن شدند. همچنین جای‌گیری محور شمال-جنوب بر روی بافت قدیمی شهر تهران در تغییر فضای شهری و فضای تجاری آن تأثیر گذارد. نخستین فرایند، کوچ عده‌ای از تجار و بازرگانان و افراد متمول بود که اکنون به واسطه وجود خیابان پهلوی (ولیعصر کنونی) مجبور به اقامت در نزدیکی محل کار خود نبودند و می‌توانستند آزادانه به قسمت شمالی شهر کوچ کنند که از دیرباز، مکانی خوش آب‌وهوا و اقامتگاه اعیان و درباریان بوده است. از طرف دیگر با استقرار کارخانه‌ها در محورهای جنوب و جنوب غربی و توسعه راه‌های ارتباطی میان شهر و روستاها و شهرهای نزدیک نوعی مراکز کارگرانشین، مهاجرپذیر و حاشیه‌نشین در این ناحیه به وجود آمد. در نتیجه محله‌های فقیرنشین پرتراکم و خودرو، بدون برنامه و فاقد امکانات و خدمات شهری در آن جا شکل گرفت (مهدی‌زاده، ۱۳۸۱: ۲۴ و آذری، ۱۳۹۱: ۱۱۸-۱۱۹).

۶- جمع بندی و نتیجه‌گیری

یکی از مفاهیم کلیدی که در کتاب تولید فضا اثر لوفور مطرح شده است، مفهوم فضای انتزاعی است. این مفهوم، تبیینی فضایی از سرمایه‌داری معاصر به دست می‌دهد. لوفور معتقد است یک شیوه تولید فقط در صورتی که فضایی (و نیز زمانی اجتماعی) را به وجود بیاورد، به معنای دقیق کلمه می‌تواند پدید آید که این پیدایش به روابط تولید و نیز به قانون و قدرت سیاسی وابسته است. در دیدگاه او گذار به فضای انتزاعی سرمایه‌داری مستلزم میانجی‌هایی است و پس از برقراری این میانجی‌ها، شاهد تغییرات کالبدی در فضا و زمان شهری خواهیم بود. در ایران برای گذار به فضای انتزاعی و تسلط شهر بر روستا، دو میانجی ابتدایی قانون و دولت بودند که قانون صورت‌بندی اولیه خود را در انقلاب مشروطه یافت اما به دلیل عدم وجود دولت مدرن که توان از

میان برداشتن تفاوت‌ها را داشته باشد، فضای انتزاعی سرمایه‌داری نتوانست خود را در ایران متجلی کند. پس از برآمدن دولت مدرن در دوران پهلوی اول، فضای انتزاعی نتوانست خود را بسط و گسترش دهد. پس از آن شهرها بر روستاها مسلط شدند و نتوانستند قدرت اقتصادی و سیاسی را در دست خود بگیرند.

سه‌گانه مفهومی لوفور نیز در این تحلیل اهمیت زیادی دارد. در دوران پهلوی اول شاهد بازنمایی‌های فضا هستیم که از مجرای نقشه‌کشی و نقشه‌برداری و به‌وسیله مهندسان شهرسازی صورت می‌پذیرد. تصویر جدیدی از شهر ارائه می‌شود و بر مبنای این تصویر کردارهای فضایی جهت‌دهی می‌شوند. کردارهای فضایی و بازنمایی‌های فضا، منطق سلطه و حکومت بر انسان‌ها را ترویج می‌کنند و گسترش می‌دهند. رضاشاه، با استفاده از قوانین و مقررات، دانش و مهندسی سعی می‌کند تصور جدیدی را در اذهان ایجاد کند و از این مجرا پیکرهای جدیدی را با دستکاری خلق کند (قوانین پوشش، فرهنگستان ادب و مواردی از این دست). در واقع بازنمایی‌های فضا از طریق کردارهای فضایی سعی در مصادره فضاهای بازنمایی دارند. به رغم قدرت فراگیر گرایش‌های همگونی و چندپارگی و سلسله‌مراتب، لوفور مصر است که فضای انتزاعی هیچ‌گاه به سلطه مطلق دست نمی‌یابد. در بخش فضاهای بازنمایی نیز دیدیم که همواره امکان مقاومت‌هایی در دل فضای انتزاعی نهفته است. در آخر نیز سه ویژگی فضای انتزاعی یعنی چندپارگی، همگونی و سلسله‌مراتب را در شهر تهران مورد بررسی قرار دادیم.

در تحقیقات پیشین که با چارچوب نظری لوفوری صورت پذیرفته، مؤلفان بیشتر بر روی قدرت دولتی در تولید فضا تأکید کرده‌اند. اما تمرکز پژوهش حاضر بر روی شرایط امکان ظهور فضای انتزاعی، سه‌گانه مفهومی لوفور و همچنین سه گرایش متفاوت فضای انتزاعی (چندپارگی، همگونی و سلسله‌مراتب) بوده است. این رهیافت کمک خواهد کرد که تبیینی در خصوص اینکه چرا سرمایه‌داری در یک زمان خاص و نه در زمانی دیگر در ایران پدید آمد ارائه دهیم. چارچوب نظری لوفور بدیلی در اختیار ما قرار می‌دهد تا بتوانیم قرائت‌های مارکسیستی از تاریخ معاصر ایران و خلق سرمایه‌داری در کشور را با تغییرات کالبدی شهرها و سطح کشور پیوند داده و خوانشی فضایی از بسط و گسترش روابط سرمایه‌داری در ایران ارائه دهیم. علاوه‌براین، مفهوم فضا به مثابه انتزاع انضمامی در کار لوفور سبب می‌شود که به این نکته نیز توجه کنیم که ساختارهای انتزاعی نظیر دانش و فرهنگ به کنش‌های انضمامی و ترتیبات در فضا تبدیل می‌شوند. نکته حائز اهمیت دیگر نگاه سیاسی مثبت لوفور است، چرا که او با وجود قدرت

تسطیح‌کننده فضای انتزاعی، به امکان مقاومت در برابر سلطه این فضا از طریق کنش‌های عملی و جمعی نیز باور دارد. با ابتناء بر ریشه‌های فلسفی لوفور (هگل، مارکس و نیچه) می‌توان گفت که بسط سرمایه‌داری در ایران و همچنین برآمدن دولت مدرن حاصل منطق درونی خود فضای انتزاعی سرمایه‌داری بوده که سعی می‌کند خود را از طریق صورت‌بندی قانون، تشکیل دولت، تسلط یافتن شهر بر روستا، در خدمت گرفتن دانش و تغییرات فضایی و زمانی به پیش براند.

منابع

- آبراهامیان، پرواند. (۱۳۷۶). **مقالاتی در جامعه‌شناسی ایران**، تهران: انتشارات شیرازه.
- آذری، نرگس. (۱۳۹۱). **تجربه مدرنیته به روایت فضاهای تجاری شهر تهران**، تهران: انتشارات تیسرا.
- آزادارمکی، تقی و صدیقی کسمایی، مینو. (۱۳۹۸). تولید فضای شهری بابلسر در دوره‌های قاجار و پهلوی، **مطالعات فرهنگی و ارتباطات**، ۱۵(۵۴)، صص: ۱۸۵-۲۱۴.
- آزادارمکی، تقی و حاضری، علی محمد و ساعی، علی و نصرتی‌نژاد، فرهاد. (۱۳۹۹). تبیین جامعه‌شناختی سیاست‌های هویتی دولت پهلوی اول. **مجله جامعه‌شناسی ایران**، ۲۱(۳)، صص: ۵۹-۸۱.
- استانک، لوکاس. (۱۳۹۶). فضا به مثابه انتزاع انضمامی در «فضا، تفاوت، زندگی روزمره؛ خوانش آنری لوفور»، مترجمان: افشین خاکباز و محمد فاضلی، انتشارات تیسرا، تهران، ایران.
- اشرف، احمد. (۱۳۵۹). **موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجاریه**، تهران: انتشارات زمینه.
- اشمید، کریستین. (۱۳۹۶). نظریه هانری لوفور درباره تولید فضا، به سوی دیالکتیکی سه‌بعدی در «فضا، تفاوت، زندگی روزمره؛ خوانش آنری لوفور»، مترجمان: افشین خاکباز و محمد فاضلی، تهران: انتشارات تیسرا.
- اکبری، محمدعلی. (۱۳۹۷). **دولت و فرهنگ در ایران (۱۳۰۴-۱۳۵۷)**، تهران: مؤسسه انتشاراتی روزنامه ایران.
- الذن، استوارت. (۱۳۹۴). سیاست فضا وجود دارد، زیرا فضا سیاسی است در «درآمدی بر تولید فضای هانری لوفور»، مترجم: آیدین ترکمه، تهران: انتشارات تیسرا.
- باتلر، کریس. (۱۳۹۹). **آنری لوفور: سیاست فضایی، زندگی روزمره و حق به شهر**، مترجم: نریمان جهانزاد، تهران: نشر همشهری.
- بشیریه، حسین. (۱۳۹۹). **زمینه‌های اجتماعی انقلاب ایران**، مترجم: علی اردستانی، تهران: نشر نگاه معاصر.

- بهنام، جمشید. (۱۳۹۱). **ایرانیان و اندیشه تجدد**. تهران: نشر فرزانه روز.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۹۵). **تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران**، جلد دوم، تهران: انتشارات آرمان‌شهر.
- توفیق، ابراهیم. (۱۳۸۵). مدرنیسم و شبه پاتریمونالیسم تحلیلی از دولت در عصر پهلوی. **مجله جامعه شناسی ایران**، ۷(۱)، ۹۳-۱۲۵.
- حاجی‌زاده، مریم و احدنژاد، محسن (۱۴۰۰). تولید فضای گفتمان مطلقه پهلوی، **برنامه‌ریزی و آمایش فضا**، ۲۵ (۳) صص: ۱۴۷-۱۷۳.
- حبیبی، سیدمحسن. (۱۳۹۷). **از شار تا شهر**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حسامیان، فرخ. (۱۳۶۳). شهرنشینی مرحله گذار در «شهرنشینی در ایران»، تهران: انتشارات آگاه.
- حیدری، آرش. (۱۴۰۲). **واژگونه‌خوانی استبداد ایرانی**، تهران: نشر مانی‌هنر.
- خزائی، یعقوب. (۱۳۹۷). تحلیلی بر ساختار زندان پیشامدرن و مدرن (نمونه پژوهشی: انبار تهران و زندان قصر)، **نشریه پژوهش‌های تاریخی**، سال دهم، شماره دوم، صص: ۱۳-۳۰.
- دهقانی، آوا و توفیق، ابراهیم. (۱۳۹۶). تبارشناسی نظم تهران امروز با محوریت نقش نهاد کمیسیون ماده پنج، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره هجدهم، شماره ۲، صص: ۱-۲۷.
- رزاقی، ابراهیم. (۱۳۹۴). **آشنایی با اقتصاد ایران**، تهران: نشر نی.
- زائری، قاسم و یوسفی‌نژاد، فاطمه. (۱۳۹۸). **بررسی چگونگی تجدید نظر در قانون «کشف حجاب» در مقطع ۱۳۲۰-۱۳۲۲ با تکیه بر مقاومت‌های فردی و نهادی**، نشریه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۷، شماره ۲، صص: ۱۷۳-۱۹۲.
- ژلنیتس، آندری. (۱۳۹۹). **فضا و نظریه اجتماعی**، مترجم: آیدین ترکمه، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- سوداگر، محمدرضا. (۱۳۵۷). **رشد روابط سرمایه‌داری در ایران (مرحله انتقالی ۱۳۰۴-۱۳۴۰)**، تهران: مؤسسه پازند.
- سوندرز، پیتر. (۱۳۹۲). **نظریه اجتماعی و مسئله شهری**، چاپ اول، مترجم: محمود شارع‌پور، انتشارات تیس، تهران، ایران.
- شایق، سیروس. (۱۴۰۱). **توانا بود هر که دانا بود**، مترجم: مارال لطیفی، تهران: انتشارات شیرازه.
- شیرازی، رضا. (۱۳۹۴). **اطلس تهران قدیم**، تهران: انتشارات دستان.
- غلامی، شهرام. (۱۳۹۷). **اقتصاد کشاورزی ایران: دوره پهلوی اول**، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
- فشاهی، محمدرضا. (۱۳۶۰). **تکوین سرمایه‌داری در ایران (۱۷۹۶-۱۹۰۵)**، انتشارات گوتنبرگ.
- فوران، جان. (۱۳۹۲). **مقاومت شکننده**، مترجم: احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

کرونین، استفانی. (۱۳۸۵). ارتش، جامعه مدنی و دولت در ایران ۱۳۰۰-۱۳۰۵ در «تجدد آمرانه: جامعه و دولت در عصر رضاشاه»، تألیف و گردآوری: تورج اتابکی، مترجم: مهدی حقیقت خواه، تهران: انتشارات ققنوس.

کویاگی، میکیا. (۱۴۰۲). **ایران در حرکت**، مترجم: ابراهیم اسکافی، تهران: انتشارات شیرازه.
کیانی، مصطفی. (۱۳۸۶). **معماری دوره پهلوی اول**، تهران: مؤسسه فرهنگی و پژوهشی چاپ نظر.
گاندینر، مارک (۱۳۹۴). مارکس زمان ما: هانری لوفور و تولید فضا در «درآمدی بر تولید فضای هانری لوفور»، مترجم: آیدین ترکمه، انتشارات تیس، تهران، ایران.

لوفور، آنری. (۱۳۹۴). فضا و شیوه تولید در «درآمدی بر تولید فضای هانری لوفور»، مترجم: آیدین ترکمه، تهران: انتشارات تیس.

لوفور، آنری. (۱۳۹۵). **تولید فضا**، مترجم: محمود عبدالله‌زاده، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.

مالجو، محمد. (۱۴۰۱). **خیز خام**، تهران: نشر چرخ.
مدنی‌پور، علی. (۱۳۸۱). **تهران: ظهور یک کلانشهر**، مترجم: حمید زرآزوند، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

مریفلد، اندی. (۱۴۰۰). **آنری لوفور، مقدمه‌ای انتقادی**، مترجم: امین علی‌محمدی، تهران: انتشارات همشهری.

منوچهری‌میاندوآب، ایوب و رهنمایی، محمدتقی. (۱۳۹۸) **تحلیلی بر فرایند تولید فضای سرمایه‌داری دولتی در ایران** مورد: شهر تهران، **برنامه‌ریزی و آمایش فضا**، ۲۳ (۱). صص: ۸۵-۱۱۶.

منوچهری‌میاندوآب، ایوب. (۱۴۰۰). **تحلیلی بر فرایند تولید فضای شهری در ایران** مورد مطالعه: کلان‌شهر تهران. **پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری**، ۹ (۲)، صص: ۳۸۷-۴۱۵.

مهدی‌زاده، جواد. (۱۳۸۱). **نظری به روند تاریخی توسعه کالبدی- فضایی شهر تهران**، نشریه **جستارهای شهرسازی**، شماره سوم، صص: ۱۶-۲۶.

نوروزی، فرشید و خسروبیگی، هوشنگ و دهنوی، نظامعلی و علی‌صوفی، علی‌رضا. (۱۴۰۱). **سازمان‌دهی نظام مدیریت تقسیمات کشوری در اوایل دوره پهلوی اول ۱۳۰۴-۱۳۱۶**، **فصلنامه تاریخ ایران بعد از اسلام**، سال سیزده، شماره ۳۲، صص: ۱۷۳-۱۹۸.

یزدانی، سهراب و چنگیزی‌اردهالی، سیداسماعیل و پورآرین، فواد و شعبان‌زاده‌لمر، بهمن. (۱۳۹۸). **ستیز اقتصاد زراعی رعیتی- معیشتی و اقتصاد زراعی تجاری**، ستیز دولت و دهقان برای تجارت و معیشت ۱۳۰۴-۱۳۲۰، **فصلنامه تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام**، ۱۰ (۱۹)، صص: ۱۲۷-۱۵۶.